

## اعلامیه

**قتل وحشیانه وجنایتکارانه " فرخنده " به اتهام دروغین «توهین به مقدسات اسلامی»  
داغ ننگ دیگری است برجبین سردمداران دولت جمهوری اسلامی دست نشانده  
امپریالیستهای امریکائی و اروپائی**

روز 28 حمل 1393 (19 مارچ 2015) " دختر جوانی بنام فرخنده 28 ساله اهل خیرخانه ولایت کابل در محل «مسجد شاه دوشمشیره» به اتهام "آتش زدن نسخه های قرآن" به طرز فجیعی بقتل رسانده شد. طبق گزارش خبررسانیهای « غیردولتی» در کابل و چنانکه ویدیوی این صحنه جنایتبار نشان میدهد، فرخنده مظلوم بوسیله تعدادی از افراد حیوان صفت با مشت و لگد و چوب و سنگ سبعانه بقتل رسانده شده و بعد روی جسد وی نفت پاشانده و در کنار دریای کابل سوختانده شد. طبق همین گزارش، پولیس دولت در محل حاضر بوده و گفته می شود که بسیار ضعیف عمل کرده و یا ناظر این جنایت فجیع بوده و دخالتی نکرده است. همچنین گفته می شود که ماموریت پولیس در چند ده متری محل واقعه قرار دارد. وزارت حج و اوقاف دولت مزدور میگوید که: تحقیقات نشان داده است که سوزاندن نسخه های قرآن توسط فرخنده درست نبوده بلکه نسخه های سوخته در محل بزبان فارسی بوده اند. ولی این مطلب توسط هیچ یک از خبرنگاران تأیید نشده است. پدر و مادر فرخنده در روز اول به خبرنگار تلویزیون طلوع گفتند که: دخترشان از 16 سال باین طرف دچار مرضی روانی بوده و با تداوی زیاد صحت نیافته و گاهی هم به تعویض و تومار متوسل میشده است. لیکن والدین فرخنده در روز دوم به خبرنگار تلویزیون طلوع گفتند که دخترشان از "دارالعلوم عایشه صدیقه" فارغ شده بود، قاری قرآن بود و می خواست که شامل فاکولته شرعیات شود. این مسایل اتهام بی اساس «ارتداد» به فرخنده را از جانب عناصر و حلقه های ارتجاعی جنایتکار مذهبی منجمله "حشمت ستانکزی" مامور وزارت داخله و خطیب مسجد جامع کارته و وزیر اکبرخان که جنایتکارانه قتل او را «توجیه» کرده اند، به شدت رد می نماید. منبع خبری دیگری می گوید که فرخنده از ملای تعویض نویس در محل مسجد شاه دوشمشیره می خواهد که تعویض نویسی را برای زنان متوقف کند و ملای مذکور بر او اتهام سوختاندن قرآن را وارد کرده و بوسیله ای افراد حاضر در محل او را در زیر لنت و کوب گرفتند تا که جان داد. به هر صورت از واقعیت لحظات جریان قبل از وقوع این جنایت هولناک گزارش موثقی در دست نیست و منابع مختلف حرفهای های متفاوتی گفته اند. لیکن در این میان آنچه که قابل درک است نفس این جنایت هولناک و علل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی آنست. وکنه این جنایت وحشیانه رازن ستیزی دولت فئودال کمپرادوری دست نشانده استعمار و امپریالیسم و تسلط ایدئولوژی و فرهنگ فئودالی و استعماری امپریالیستی حاکم بر جامعه عقب نگهداشته شده مرد سالار تشکیل میدهد. و موجودیت روحیه « دین زدگی»، زن ستیزی، ضعف اخلاقی، وجدان مردگی و عقب ماندگی فرهنگی که منشأ در ماهیت نظام حاکم دارد، علت دیگر آنست. و این امر سبب شده تا جماعتی حاضر در صحنه بدون هیچ گونه نگرانی از اینکه بوسیله ای مرجعی (بنام دولت) مورد مآخذ قرار میگیرند بنام « توهین به مقدسات دینی» دست به چنین جنایت هولناکی بزنند. و جماعتی هم نظاره گر این جنایت نفرت انگیز باشند. همینکه تعدادی از ساکنین شهر کابل و بگفته ملا بنویسهای تشکلات استعماری بنام « جامعه مدنی» («شهر وندان» کابل) این قتل فجیع و وحشیانه را با بی تفاوتی تماشا کرده و یا در آن بنحوی سهم گرفته اند؛ روحیه نهایت زن ستیزی و ضد انسانی و جهالت قرون وسطائی آنها را نشان میدهد. و بوضوح آشکار است که انگیزه دفاع از این دختر مظلوم و بی دفاع و احساس نوع دوستی در هیچ یک از مشاهدین و ناظرین این صحنه وجود نداشته است. از اینرو این عمل از یک جهت نهایت سبعیت و جهالت عاملین این جنایت سهمگین را نشان میدهد و از جانب دیگر فقدان احساس انسانی تماشاگران این صحنه و حشمتاک رانیز بنمایش می گزارد. همچنین عده ای از اعضای بلند پایه دولت مزدور از معین وزارت تا سناتور و ملاهای جیره خوار استعمار در شهر کابل بگونه علنی از این جنایت وحشیانه بدفاع برخاسته اند و همچنین تعدادی از گردانندگان تشکلاتی بنام «جامعه مدنی» از طریق

تلویزیونهای «خصوصی» با ذکر مظلومیت فرخنده و «اتحاف دعا» بوی بسنده کرده و از محکوم کردن صریح و گسترده عاملین این جنایت وحشیانه که بنام «دفاع از مقدسات اسلامی» صورت گرفته است، طفره رفته اند. این امر بیانگر ماهیت ضدانسانی نظام فئودالی کمپرادوری با ایدئولوژی و فرهنگ قرون وسطائی آن است که به زن منحیث یک متاع می نگرد. با ملاحظه مختصر فوق و چگونگی وقوع این واقعه وحشتناک که تعداد زیاد مشابه آن در افغانستان خاصاً در چهارده سال اخیر بوقوع پیوسته است، بدون هیچ تردیدی مسئولیت این جنایت سهمگین مستقیماً بدوش دولت جمهوری اسلامی دست نشانده و قدرتهای استعماری حامی آنست.

2015-3-22

(وبسایت "پیام آزادی")